

سخنان ذوق زده علی خامنه ای در سفر تبلیغاتی به سمنان و دامغان

پیروزی دمکرات های امریکا

نتیجه سیاست جنگی رهبر؟

23 سال پس از اعلام انحلال

اعتراف رهبر به حضور حزب توده ایران در دانشگاه ها

رهبر جمهوری اسلامی، در یک سفر تبلیغاتی، در آستانه برگزاری انتخابات بی رونق مجلس خبرگان رهبری راهی سمنان و دامغان شد، و مطابق معمول، چند سخنرانی کرده و نقطه نظرات خود را یکطرفه بیان کرد.

این سفر همزمان شد با اعلام نتایج انتخابات پارلمانی اخیر در امریکا، که طی آن اکثریت پارلمانی در هر دو مجلس سنا و کنگره، از جمهوریخواهان به دمکرات ها منتقل شد. رهبر جمهوری اسلامی نیز همین نتیجه از انتخابات امریکا را کانون مرکزی سخنرانی های خود در سمنان و دامغان قرار داد!

علی خامنه ای گفت که شکست جمهوریخواهان حاصل پایداری مردم ایران بود. به زبانی دیگر، یعنی دمکرات های امریکا حواسشان جمع باشد که پیروزی خود را مدیون ایشان هستند! او که زودتر از دمکرات های امریکا، از نتیجه آن انتخابات ذوق زده شده، با بیان این جمله، در واقع روی سخنش در داخل کشور، نه مردم سمنان و دامغان و حتی دیگر شهرهای ایران که تا گلو در بحران همه جانبه اقتصادی- اجتماعی جامعه غرق شده اند، بلکه با مخالفان سیاسی خودش بود. او خواست به مخالفان دولت نظامی و سیاست جنگی حاکم بر کشور بگوید، آنچه در امریکا اتفاق افتاد و جمهوری اسلامی را- به زعم ایشان- از حمله نظامی مصون نگهداشت، سیاست جنگی- نظامی او و همفکرانش در راس حاکمیت بود.

بنابر این، مخالفت های پشت پرده حاکمیت و بیرون از حاکمیت با سیاست های او بیهوده بود و فضای بسته، سیاست اتمی، انتخابات فرمایشی، تشکیل مجلس خبرگان یکدست طرفدار این رهبر و دخالت های او در همه امور کوچک و بزرگ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نوع لباس مردم باید ادامه یابد و سرداران سپاه نیز پشت سر او همچنان به صف بایستند!

حتی - بی آنکه وارد بحث ولایت فقیه و تقابل آن با جمهوریت شویم- اگر مجلس خبرگانی وجود می داشت که شماری کارشناس مسائل بین المللی مستقل از شورای نگهبان در آن حضور داشتند، در این مجلس می شد از رهبر خواست که در آن حضور یافته و استدلال های خود را پیرامون ارزیابی هایش از انتخابات اخیر امریکا را ارائه دهد و البته استدلال های متقابل و در رد این استدلال ها را نیز بشنود، نه آنکه هر چه به عقلش رسید بعنوان حکم ولایت در سخنرانی هایش بیان کند. برای مثال از ایشان می شد پرسید: آنچه را که بعنوان پایداری مردم ایران ادعا کرده اید، اگر یک تقابل سیاسی با مخالفان خود در داخل حاکمیت نباشد، به نوعی اعتراف به دخالت در رویدادهای عراق و کشتار ده ها هزار تن از مردم عراق در انفجارهای کور نیست؟ شناخت شما از امریکا و امپریالیسم جهانی در حد همان شناخت از نوع مبارزه با امریکا نیست که در عراق شاهدش هستیم؟ یعنی تبدیل مردم کوچه و بازار به گوشت دم توپ و بردن عراق به لبه پرتگاه دیگری که - با حضور و بی حضور نظامی امریکا- نامش جنگ داخلی، تجزیه آن کشور و جنگ هولناک مذهبی در منطقه و با شرکت ایران در آن است! امپریالیسم امریکا و باصطلاح شما "استکبار" همان است که مدعی هستید و مبارزه با آن نیز همان است که شما می فرمائید؟ حاصل این شناخت و این مبارزه و مقابله، همان جامعه از بنیان ویران شده ای نیست که کافی است یک روز، با

ریش تراشیده و بی عبا و عمامه، مانند مردم عادی در هر شهر و محله ای بگردید تا واقعیت آن را ببینید؟

عقب و جلو شدن دو حزب جمهوریخواه و دمکرات امریکا، یعنی پیروزی برای ملت ایران؟ در آینده ای بسیار نزدیک همگان خواهند دید که آنچه زیربنای کنونی سیاست جهانی و داخلی امریکاست، بحرانی عمومی سرمایه داری در جهان و در راس آن، در امریکاست. این بحران است که سیاست تعیین می کند، نه بوش و یا کلینتون و یا فلان سناتور. همانگونه که حفظ کشور در این بحران و در دل توفانی که هنوز در راه است، نه توپ و تانک و مانور نظامی و همایش و عقب و جلو کردن سرداران و حتی در اختیار داشتن سلاح اتمی، بلکه رضایت عمومی مردم و حمایت از دولتی است که خود در بر سر کار آوردن آن نقش آگاهانه داشته باشند. شکم های گرسنه، کارگر بی حقوق و به گلوله بسته شده، کوبیدن در دهان دانشجو و گرفتن گریبان روشنفکران، خالی شدن روستاهای فقر زده و بی آب مانده و جمع شدن روستائیان در پشت دروازه شهرهای بزرگ کشور، صنایع ویران شده و به زانو در آمده در مقابل 65 میلیارد دلار واردات، منجلاب فساد و رشوه و فحشاء ... یعنی پایمردی مردم ایران و دلیل شکست جمهوریخواه و روی کار آمدن دمکرات در امریکا و پیروزی بزرگ در سبد ایران؟

25 سال پس از اعلام انحلال حزب توده ایران

رهبر جمهوری اسلامی در سفر دامغان و سمنان خود، یک سخنرانی دانشگاه و دانشجویی - البته برای دانشجویان بسیجی- نیز کرد که از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. ایشان در ادامه ارزیابی های تحریک آمیز و امنیتی هفته های اخیر خویش - در دیدارهای باصطلاح دانشجویی- بار دیگر و بعنوان دلیل نارضائی های دانشگاهی گفت: «سرویس های جاسوسی امریکا و اسرائیل به تشکل هایی در دانشگاه ها در ایران کمک می کنند که بر حسب ظاهر، به توده ای های سابق وابسته هستند. تشکیل دهندگان و تغذیه کنندگان این مجموعه ها و گروه های دانشجویی، توده ای های چند سال پیش هستند که مدتی قبل هم در تلویزیون، توبه، گریه و طلب بخشش از بزرگان نظام کردند».

در زمان شاه و تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، هر اتفاقی در دانشگاه های ایران روی می داد زیر سر توده ای ها و روس ها بود. از آنجا که با فروپاشی اتحاد شوروی این بهانه دیگر شنونده ندارد، رهبر فرمول بالا را کشف کرده است. یعنی اسرائیل و امریکا به توده ای ها خط می دهند!

این استدلال و بهانه را می توان از زوایای مختلف بررسی کرد. از جمله اینکه به اعتراف خود ایشان، آن حزبی که در جمهوری اسلامی منحل شد، 25 سال پس از اعلام انحلال امروز مجبورند به حضور نسل دانشجوی آن در دانشگاه ها اعتراف کنند. و یا، این نوع سخنان نیز مانند فرمول بندی یورش فرهنگی غرب که انواع قتل زنجیره ای و جنایت و یورش و توطئه امنیتی را به همراه آورد، شاید مقدمه فاجعه دیگری در دولت باصطلاح یکدست و تحت امر ایشان باشد... اما از میان همه حدس و گمان ها، این گمان هم محتمل است:

هاشمی رفسنجانی اخیرا و چند روز پیش از باز انتشار نامه پایان جنگ آیت الله خمینی، در مصاحبه مفصلی که با روزنامه همشهری کرد گفت: " حمله به حزب توده هم بنظر من اشتباه بود. من قبول ندارم که آنها می خواستند کودتا کنند."

هدف از باز انتشار نامه آیت الله خمینی برای پایان جنگ افشای کسانی بود که در آن روزها با قبول آتش بس مخالف بودند. از جمله علی خامنه ای رئیس جمهور وقت و برخی سرداران سپاه پاسداران. یعنی کسانی که امروز هم سیاستی جنگی را بر کشور تحمیل کرده اند. با تکرار حملات اخیر علی خامنه ای به حزب توده ایران و تهدید دانشجویان، بتدریج این گمان

قوی می شود که از جمله دست های پر قدرتی که در حاکمیت وقت، به همراه بخش امنیتی سپاه پشت آن یورش خونین و ناجوانمردانه به حزب توده ایران بود، دست خود ایشان نبوده؟
اظهارات اخیر رهبر درباره نفوذ توده ای ها در دانشگاه ها، نوعی دیگر از تقابل ایشان با هاشمی رفسنجانی و دفاع از آن یورش خونین نیست؟